



ها اطلاعیه ها پیکار جوانان دسه هشت مارچ نبرد زن جوانان سخن بگویند مقالات منتخب پیوندها علم و هنر تماس با ما English

دور دوم انتخابات ریاست جمهوری رژیم دست نشانده را نیز قاطعانه تحریم کنید!

همه میدانیم که انتخابات ریاست جمهوری رژیم دست نشانده همزمان با انتخابات شوراهای ولایتی اش بتاريخ 28 اسد 1388 با حمایت پولی ، نظامی و سیاسی امپریالیستهای اشغالگر و رژیم پوشالی و با تقلبات بیش از حد گسترده برگزار گردید. هرچند تا قبل از اعلان نتایج بررسی کمیسیون به اصطلاح مستقل انتخابات و شکایات انتخاباتی از حکومت ائتلافی میان داکتر عبدالله و حامد کرزی سخن می رفت ، اما هردو طرف رقبای اصلی این نمایش مضحکه آمیز، تشکیل حکومت ائتلافی را بارها رد کردند و مذاکرات برسر شکل گیری چنین ائتلافی را حتی جان کبری و کرزی نیز تکذیب نمودند، با آنهم تشکیل حکومت ائتلافی ، گره کار امپریالیستهای اشغالگر را در بحران کنونی کشور نمی گشود و مشروعیت دولت ائتلافی پس از تدویر یک "انتخابات" بدنام و ناکام برای افکار عامه نه تنها در جوامع امپریالیستی بلکه در داخل افغانستان فراهم نمی شد.

برای امپریالیستهای اشغالگر و متحدین شان کشیدن اینگونه نمایش به دور دوم پس از آن همه هیاهو در مورد تقلب گسترده که خود آن را دامن زدند، یک ناگزیری و اجبار شمرده می شد. هرگونه راه حل چون تشکیل حکومت ائتلافی و مشترک میان داکتر عبدالله و کرزی بدون برگزاری دور دوم انتخابات برای اشغالگران امپریالیستی پرمخاطره به شمار میرفت. اشغالگران امپریالیستی چگونه می توانستند افکار عمومی کشور های خود را به حمایت مالی و نظامی دولت برآمده از یک انتخابات پر از تقلب و بدنام قانع و راضی نمایند؟ آیا دولت امریکا که شبانه روز با بوق و کرنا بحث "دموکراسی" و "آزادی" را به میان میکشد چگونه میتواند دولت برآمده از چنین انتخابات متقلبانه را مشروعیت ببخشد؟ پاسخ این پرسشها روشن است ، امپریالیستهای اشغالگر بخاطر فریب اذهان توده ها چاره ای جزء پذیرش این موضوع را نداشتند.

بهرحال ، از زمان تجاوز امپریالیست های امریکائی و متحدین شان بر افغانستان و اشغال این کشور توسط آنها تا حال چندین نمایش عوامفریبانه انتخاباتی براه افتاده است . اما این انتخابات دروغین ، در راستای تامین استقلال افغانستان و نامین حاکمیت ملی مردمان آن قرار نداشته و نخواهند داشت ، بلکه در خدمت دوام اشغال کشور ، در خدمت دوام پامالی حاکمیت ملی مردمان کشور و در خدمت دوام حضور قوای اشغالگر امپریالیستی در افغانستان هستند . بطور واضح و روشن آشکار گردیده که هدف اصلی اینگونه انتخابات ایفا و تحکیم رژیم دست نشانده بوده و نه تحقق دموکراسی در افغانستان . این هدف در خدمت نقشه های دراز مدت اشغالگران امپریالیست امریکائی و متحدان شان قرار دارد . آنها از این طریق می خواهند حضور دائمی نظامی شان در افغانستان را شکل به اصطلاح قانونی بدهند. در یک کشور اشغال شده که استقلال آن ، حاکمیت ملی مردمان آن ، تمامیت ارضی و حق تعیین سرنوشت مردمان آن پامال گردیده است ، چنین انتخاباتی به هیچ دردی ، جزء برای حفظ و بقای رژیم دست نشانده و چاکر منشی به درگاه اشغالگران امپریالیستی نمی خورد. امپریالیست های اشغالگر که استقلال کشور و حاکمیت ملی مردمان آنرا پامال کرده اند و اساس حق تعیین سرنوشت مردمان این خطه را مورد تعدی و تجاوز قرار داده اند ، برای شان اصلا ممکن نیست که بتوانند حاکمیت مردم در افغانستان را تحقق بخشند . دموکراسی بدون استقلال کشور و بدون حاکمیت ملی مردمان کشور ، اساسا نمی تواند قابل تحقق باشد . اساس مسئله این است که امپریالیست ها به دنبال منافع استراتژیک ، اقتصادی و سیاسی خود شان هستند ، نه به دنبال آوردن دموکراسی در افغانستان . شعار آوردن دموکراسی در افغانستان توسط امپریالیست های اشغالگر یک شعار فریبنده و اغواگرانه است . این "دموکراسی" در اساس مبتنی بر حق حاکمیت مردم نیست، بلکه فقط و فقط پرده ساتری بر چهره کریه استبداد مستعمراتی - نیمه فئودالی در کشور است .

هموطنان عزیز! آنکسانیکه به پای صندوق های رای این مرتجعین و خائنین ملی رفتند با رای آنها چه برخوردی صورت گرفت که با رای شانزدهم عقرب شان صورت بگیرد؟ چرا دزدان جنایتکارو خادم امپریالیزم آنرا به یغما بردند که نتوانند برای بار دوم به یغما برند؟ حال که طشت رسوائی شان به صدا درآمد برای باردیگر همان افشارمردمی میطلبند که برای همین خائنین ملی که جزء فقر، فلاکت و بدبختی و جزء تامین منافع غارتگرانه امپریالیستهای اشغالگر دستاورد دیگری نخواهند داشت شرکت بچویند؟ بنا براین شرکت در انتخابات ریاست جمهوری رژیم دست نشانده در هر سطحی که باشد ، شرکت در بازی های سیاسی ای است که از سوی اشغالگران امپریالیست ، در راس امپریالیست های امریکائی طرح ریزی شده و به پیش برده می شود، تا رژیم دست نشانده شان را حیثیت قانونی و منتخب بدهند .

تا زمانیکه سلطه اشغالگران امپریالیست بر کشور باقی بماند ، چه فرق اساسی میان رئیس جمهورغیر منتخب و رئیس جمهور به اصطلاح منتخب توسط مردم می تواند وجود داشته باشد؟ بدین اساس است که انتخابات ریاست جمهوری رژیم دست نشانده که بر اساس طرح و نقشه اشغالگران و با تکیه بر قوت های مسلح و امکانات پولی و مالی آن ها رویدست گرفته شده و قرار است به تاریخ 16 عقرب 1388 مصادف با 7 نوامبر 2009 مجددا برگزار گردد ، باید قاطعانه تحریم نماییم.



پیکار جوانان شماره ۱۲ نسخه قابل چاپ



شماره نهم نبرد زن نسخه قابل چاپ



شماره یازدهم پیکار جوانان نسخه قابل چاپ

به پیش در راه تحریم هرچه قاطعانه تر دور دوم انتخابات ریاست جمهوری رژیم دست نشانده جنبش انقلابی جوانان افغانستان

2 عقرب 1388

به پیش در راه برپائی مقاومت ملی ، مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیستی و رژیم دست نشانده

با فرا رسیدن 7 اکتوبر 2009 (15 میزان 1388)، کارزار تجاوزکارانه و اشغالگرانه امپریالیستی به سردمداری امپریالیست های امریکایی بر افغانستان، هشتمین سال پر از جنایت و فریبکاری اش را پشت سر گذاشت : هشت سال کشتار ، ویرانی و تجاوز به حقوق ملی و تمامیت ارضی کشور، هشت سال بمباران های وحشیانه و بکارگیری مدرترین تجهیزات نظامی و ویران کردن مزارع و روستاهای کشور ،هشت سال تحمیل فرهنگ شوم مستعمراتی در تمام ابعاد سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ، هشت سال گسترش مواد مخدر و ادعای دروغین مبارزه علیه آن،هشت سال بیکاری ، فقر ، دربدری ، ظلم و ستم بر تمامی توده ها اعم از زنان و مردان و کودکان.... چیز دیگری نبوده است. بلی، همه اینها حاصل تجاوز نظامی و لشکر کشی شوم امپریالیستهای به افغانستان بوده که در قالب " مبارزه علیه تروریسم " و " آزادی زن و دموکراسی " صورت گرفته است.

اما حقیقت امر این است که " مبارزه علیه تروریسم" ، " آزادی زن " و " دموکراسی" بعنوان روپوشی برای اشغال افغانستان قرار گرفته است. درحالیکه دلایل اصلی تجاوزنظامی به افغانستان را باید در اهمیت جغرافیایی و جنوپلیتیک آن درمنطقه دید. افغانستان در قسمت شرقی و جنوبی دارای مرز مشترک با پاکستان و دربخش غربی با ایران است. ازسویی نزدیکی مرزی با کشور چین و ارتباط با جمهوریهای نفت خیز سابق شوروی اهمیت استراتژیک افغانستان را دو چند میسازد. بیش از یک پنجم نفت جهان برابر با 270 میلیارد بشکه ذخیره نفتی در کشورهای اطراف دریای خزر قراردارد. درهمین منطقه قریب به یک هشتم گاز طبیعی جهان موجود است. ازاین رو باید اشغال افغانستان را در چهارچوب ایجاد پایگاههای نظامی در این کشور و کنترل مواد خام در جمهوریهای آسیای مرکزی و محاصره روسیه، چین و ایران دانست. اشغال افغانستان به منظور کنترل منابع نفت و گاز، در آسیای مرکزی و اعمال هژمونی بر سایر رقبای تازه نفس امپریالیستی صورت گرفت. موضوع اسامه بن لادن و یا امارت اسلامی طالبان و مبارزه علیه تروریسم و ستم برزن در افغانستان وسیله ای برای فریب افکارعمومی بوده است که متاسفانه تا حدود زیادی درمیان توده های امریکایی و اروپایی نقش فریبنده ای بازی کرده است. زمانیکه کمپانی نفتی یونیکال برای انتقال لوله نفت از آسیای مرکزی از طریق افغانستان با شکست روبرو شد و از طرفی امارت اسلامی طالبان در سال 1997 ناکارآمد تثبیت گردید، پنتاگون تصمیم به سرنگونی طالبان و جایگزینی آن با یک حکومت گوش بفرمان و دست نشانده گرفت. واقعه 11 سپتامبر 2001 یک بهانه خوبی برای امپریالیزم امریکا بود تا با سرنگونی فوری طالبان و تهاجم نظامی و لشکرکشی اشغالگرانه به افغانستان موقعیت استراتژیک خود را به جلو راند و حلقه را بر سایر رقبا در منطقه تنگ نماید.

جنبش انقلابی جوانان افغانستان از همان آغازحمله نظامی اشغالگران امپریالیستی به مبارزه برخاست و با موضع روشن و قاطع، طرح امپریالیستی و اضلاع متحده امریکا را درهجوم وحشیانه به این کشور را قویا محکوم نمود و مرعوب تبلیغات امپریالیستی و رژیم پوشالی نگردید. جنبش انقلابی جوانان افغانستان با انتشار ده ها مقاله تحلیلی پرده ازین سیاست استعماری برداشت و مخالفت خود را به تجاوز نظامی به افغانستان ابراز نمود و همواره تاکید به عمل آورد که سرنگونی رژیم ارتجاعی طالبان وظیفه خلق ستمدیده این کشور است و اقدام امپریالیستهای امریکایی و شرکاء نقض روشن حق تعیین سرنوشت توده های افغانستانی است. ما ازهمان آغاز تهاجم نظامی بارها یادآورشده ایم که برای امپریالیستهای اشغالگراستفاده ازمدرن ترین تجهیزات نظامی و ویران کردن هزاران روستا درکشور و کشتار بیرحمانه مردم بیگناه ... عین دموکراسی و آزادی است اما اگر همین مردم با سنگ و چوب و فداکردن جان خود ازکشور و موجودیتشان به دفاع برخیزند به سخت ترین وجه سرکوب شده و آشوبگر، دزد و رهنز خطاب میشوند.

کشور افغانستان کماکان درچنگال امپریالیستهای اشغالگر امریکایی قراردارد ، و رژیم دست نشانده یک حاکمیت گوش به فرمان امپریالیستهای اشغالگر بوده که درخدمت بقاء و دوام اشغال نقش بازی میکند. در شرایط فعلی برپائی و پیشبرد مقاومت ملی ، مردمی و انقلابی همه جانبه علیه اشغالگران و دست نشانندگان شان ، بر محور مبارزات قهری برای اخراج قوت های اشغالگر امپریالیستی از کشور و سرنگونی رژیم دست نشانده یکی از مهمترین وظایف تخطی ناپذیر همه ماست . غیر از این ، راه دیگری بر ای خروج کشور و مردمان کشور ، منجمله جوانان ، از بدبختی و فلاکت هول انگیز کنونی وجود ندارد.

محوری ترین شعار جنبش انقلابی جوانان افغانستان شعار خروج فوری و بی قید و شرط تمامی اشغالگران ازخاک کشوراست. از این رو تمام نیرو و توان مبارزتی مان را باید برای طرد اشغالگران متمرکز نماییم. تنها دراین روند سیاسی است که می توان تمام خلق ستمدیده را علیه امپریالیزم و توطئه های استعماری بسیج کرد، توده ها را از زیر کنترل و اسارت نیروهای امپریالیستی - ارتجاعی خارج نمود و انقلاب ملی دموکراتیک نوین را به سرانجام رسانید. نیروهای انقلابی ملی و دموکراتیک افغانستان وظیفه سنگینی برعهده دارند و تنها آنها هستند که رسالت نهایی رهایی خلق از قید امپریالیزم و ارتجاع را دارا می باشند. راهی جزء خروج شجاعانه و رزمجویانه از زیر درفش اردو و پولیس پوشالی و همچنان ترک یی تفاوتی ها و فرارطلبی ها از مبارزه و مقاومت علیه اشغالگران و دست نشانندگان شان متصور نیست. فقط با تأمین استقلال و آزادی کشور و مردمان کشور و پیشروی مداوم، در مسیر انقلاب ، فردای مان شگوفان ، پر بار ، بری از سلطه امپریالیستها و مرتجعین و سرشار از آزادی و بهروزی خواهد بود.

مرگ بر اشغالگران امپریالیست و دست نشانندگان شان !
 به پیش در راه برپایی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی !
 جنبش انقلابی جوانان افغانستان
 هفتم اکتوبر 2009 (15 میزان 1388)

سرنوشت معلم در گرو آزادی کشور

روز معلم ، روز تبارز اندیشه ها ، روز ارائه خواستها و روزی که باید معلمان لب به سخن گشایند، فرارسیده است. در این روز سخن از ستم باید گفت و جلوه های گوناگونش را افشاء باید کرد. سخن از ستمگران باید گفت و نقاب از چهره هایشان باید درید. سخن از ستمدیدگان باید گفت و آنان را از ستم و ستمگری و ستم رسیدگی خود شان واقف ساخت. "جنبش انقلابی جوانان افغانستان" در خدمت این افشاگری و نقاب دری بر محور مقاومت ملی ، مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و دولت دست نشانده قرار دارد.

برهنگان هویداست که دولت دست نشانده - این خادم امپریالیزم - دایما در تلاش است که به تمامی خواسته های صنفی و سیاسی معلمان کشور جواب سرکوب داده و بعداً با تجلیل روز معلم آنرا مرحم نماید. مگر میتوان، اعتصاب صنفی معلمان ولایت فراه ، اعتصاب کسندره معلمان لیسه های متعدد ولایت هرات که با پشتیبانی ولایات فاریاب ، جوزجان و بلخ همراه بود و همچنان اعتصاب معلمان لیسه ذکور لشکرگاه در سال 1384 که بصورت پیهم و گسترده صورت گرفت، را به فراموشی سپرد؟ اعتصاب هائی که بخاطر حقوق حقه معلمان براه افتاد و بعد از هر اعتصاب بی نتیجه باقی مانده و با وعده های سرخرمن از طرف رژیم ، یا خاموش شدند و یا به شدت سرکوب گشتند!

معلمان زحمتکش کشور هیچگاه فراموش نخواهند کرد که رژیم چگونه و با چه نیرنگی ، به سرکوب و زندانی کردن استادان مکاتب شهر کابل، اعتراضات حق طلبانه شان را در سال گذشته خاموش ساخت. آیا مقامات رژیم دست نشانده بارها وعده ازدیاد و ارتقاء معاشهای استادان و معلمان کشور را از پنجاه دالر الی صد دالر و از صد دالر الی هشت صد دالر ندادند؟

تمام این واقعیت ها نشان می دهند که در کشور مستعمره - نیمه فئودال افغانستان، نه تنها برای بیان خواسته های سیاسی آزادی وجود ندارد؛ بلکه در مقابل خواست های صنفی و اقتصادی نیز با سر نیزه جواب گفته می شود!

چه دلایل وجود دارند که اعتصابات معلمان کشور به شکست مواجه میشود؟ اولاً، برای اکثریت معلمان کشور درک روشنی از ماهیت رژیم دست نشانده وجود ندارد. ثانیاً، تمامی معلمان فاقد موضعگیری سیاسی روشن و قاطع در مقابل رژیم و حامیان اشغالگرش، میباشند. ثالثاً، هرگونه اعتصاب معلمان از پشتیبانی شاگردان برخوردار نبوده و درین راستا هیچگونه فعالیتی هم از طرف معلمان در داخل مکاتب صورت نگرفته است.

معلمان باید به این سطح از درک برسند که حق گرفتنی است، نه دادنی. معلمان بدون داشتن موضعگیری روشن و قاطع سیاسی، درحقیقت امر زمینه شکست اعتصابات شان را با اندک فشار ، از سوی رژیم پوشالی مساعد ساخته اند. معلمان باید به این سطح از درک برسند که هیچوقت نباید به وعده های دروغین امپریالیستها و رژیم دست نشانده اش فریفته شده و منتظر رحم وشفقت آنها باشند. رژیم دست نشانده تحت اوامر نیروهای اشغالگر امپریالیستی است و هیچگونه توجه ی به خواسته های برحق مردمان ستمدیده این دیار ندارد؛ مگر اینکه بر اثر مبارزات توده های رنج دیده، بالای شان تحمیل شود. مهمترین مسئله این است که طرح خواست های صنفی و پیشبرد مبارزات صنفی درصورت برخورداری از حمایت های سیاسی ملی ، مردمی و انقلابی ، سبب تقویت این مبارزات میگردد. علاوه بر این پشتیبانی شاگردان از آنها درهر حرکتی بسیار حیاتی است. بر مینا همین دلایل باید به شاگردان آگاهی سیاسی داده شود ؛ زیرا فقط نسل آگاه و روشن بین می تواند، در هر حالت و اوضاع، موضعگیری درست و اصولی اختیار کند. اگر موضعگیری روشن و آشکار اتخاذ نشود و روشنگری و آگاهی دهی صورت نگیرد، هرگونه خواست حق طلبانه معلمان در واقع حکم گدائی از رژیم را دارد و رژیم گدا صفت ذاتا نمیتواند، طلب گدائی را لیبک گوید.

دفاع از حقوق غصب شده معلم امریست که باید توسط یک کانون غیر وابسته و مستقل از رژیم بنام اتحادیه واقعی معلمان مطرح گردد و تا رسیدن بحقوق پامال شده تا پای جان بی دریغ مبارزه نماید. معلمان شرافتمند کشور!

آگاه باشید! تحت این نظام هیچ دردی، مداوا نخواهد شد. برای مداوای درد باید حرکت آگاهانه و قدم های استوار در جهت رفع کلیه نابرابری ها ، ستم و استعمار برداشته شود. باید دسیسه ها و چهره های خائنه تمام خائنین ملی را افشاء نمود، باید به شاگردان درس ایثار و فداکاری آموخت، باید منسجم و منظم شد و برای تنظیم و وحدت توده ها جدیت به خرج داد، دوست و دشمن را به خوبی از همدیگر تمیز کرد، با دوستان متحد گردید و به نابودی دشمنان کوشید. بگانه راه حل دردهای معلمان و سایر زحمتکشان کشور فقط و فقط بیرون راندن نیروهای اشغالگر و نابودی رژیم دست نشانده و ایجاد حکومت ملی ، مردمی و انقلابی میباشد و بس!

تجارب به اثبات رسانده است که این رژیم با خواست ها و نیازمندیهای معلمان واقعی نمی نهد. این رژیم نقشه مندانه و حساب شده برای رشد و ارتقای علمی تلاش نمی کند و آگاهانه سطح سواد را پایین نکه می دارد.

آگاهی دادن به جوانان و بلند بردن شعور سیاسی در جهت نجات از اسارت و بنده گی کشور و مردمان کشور وظیفه مقدس همه ماست .

بریده باد دستي که به معلم ستم میکند !
 جاويدان باد همبستگي معلمان سراسر کشور !
 جنبش انقلابي جوانان افغانستان
 3 جوزای 1388

گرامی باد اول ماه می (روز جهانی کارگر)

اول ماه می 2009 مصادف با 11 ثور 1388 خورشیدی، روز جهانی کارگر، روز همبستگی مبارزاتی کارگران سراسر جهان است.

در این روز، میلیون ها تن از کارگران در سراسر جهان به جاده ها رو می آورند و با خواست نابودی استثمار و بهره کشی، جنگ و سرکوب، تبعیض نژادی و جنسی، تبعیض ملی و مذهبی و بطور کلی بر علیه همه جلوه های ستم در جوامع طبقاتی، درفش انقلابی یک دنیای نوین انسانی، دنیای فارغ از استثمار و ستم، فارغ از غل و زنجیر و نابرابری را برمی افرازند.

طبقه کارگر در سراسر جهان، در شرایطی به استقبال اول ماه می میرود که امپریالیزم لجام گسیخته به مثابه آخرین و بالاترین مرحله نظام گنبدیده سرمایه داری، دریک بحران عمیق اقتصادی دست و پا میزند و درست به همین دلیل است که نه تنها بر دامنه و شدت تهاجم عنان گسیخته و غارتگرانه خود به حیات و معاش کارگران و خلق های ستمدیده در سراسر دنیا با وحشیگری هرچه تمامتر افزوده اند، بلکه برای کسب سهم بیشتری از منافع حاصل از غارت توده های ستمدیده در جوامع تحت سلطه علی الخصوص افغانستان و عراق و گسترش بازارهای نفوذ و دستیابی به ثروت های طبیعی و منابع انرژی، به اشکال مختلف، جدالهای سیاسی، اقتصادی و تجاوزات نظامی را تشدید بخشیده اند.

به موازات این روند، گرایش فزاینده نظام سرمایه داری امپریالیستی به اعمال قهر و سرکوب و توسل به نظامیگری و جنگ و ارتجاع، در مواجهه با بحران و مبارزات طبقه کارگر و خلق های ستمدیده، ماهیت ارتجاعی این نظام و ضرورت تغییر بنیادی آن را بیش از هر زمان دیگری در مقابل توده های ستمدیده علی الخصوص توده های ستمدیده افغانستان قرار داده است.

در کشور مستعمره - نیمه فئودال افغانستان که استقلال، آزادی، تمامیت ارضی و مردمان آن زیر چکمه های ارتش متجاوز 40 کشور امپریالیستی و ارتجاعی خارجی به رهبری امپریالیزم لجام گسیخته امریکا خورد و خمیر و حاکمیت پوشالی رژیم دست نشانده بر مردمان آن تحمیل گردیده است. بیکاری، بیماری، فقر، گرسنگی و اخراج مداوم کارگران از کار، نبود حداقل حقوق و مزایای اجتماعی، دستمزد بخور و نمیری که پرداخت آن ماه ها به تعویق می افتد، فقدان هرگونه حقوق صنفی و سیاسی و بالاخره سرکوب بی وقفه و بیرحمانه کوچکترین اعتراضات و مبارزات کارگران هر روز بیشتر از پیش تشدید میگردد.

در موجودیت اینچنین فضای وحشتناک است که طبقه کارگر بیش از هر زمان دیگر نیاز به ایدئولوژی و سیاست انقلابی دارد. بیش از هر زمان دیگر نیاز به پرورش صدها رهبر سیاسی زنده و هوشیار دارد. بیش از هر زمان دیگر نیاز به یک جنبش انقلابی با پلانفرم صریح و روشن دارد. اگر ما کارگران را مجهز به یک دیدگاه روشن از جو سیاسی پیچیده کنونی افغانستان و تفکیک درست نیرو های دوست و دشمن نکنیم، اگر روند اخراج قوای اشغالگر و سرنگونی رژیم دست نشانده را بدست خود مردم تشدید نکنیم، اگر ما آماده مبارزه ملی، مردمی و انقلابی در سطح کل کشور نشویم و اگر از فرصت ها استفاده اعظمی به عمل نیاوریم؛ طبیعی است که چالش ها به خطرات بالفعل تبدیل خواهند شد.

پس با توجه به رسالت تاریخی نیروی انقلابی آگاه و با توجه به تعهد خرائین به منافع علیای توده ها و کشور با تمام قوت و توان به پیش!

زنده باد روز همبستگی بین المللی کارگران جهان!

به پیش در راه برپائی و پیشبرد

مقاومت ملی مردمی و انقلابی

علیه اشغالگران امپریالیست و رژیم پوشالی

جنبش انقلابی جوانان افغانستان

و

دسته هشت مارچ زنان افغانستان

بیانیه دسته هشت مارچ زنان افغانستان

خطه ای که امروز افغانستان نامیده می شود یک تاریخ چند هزار ساله دارد. این خطه که در دوران های دور بخشی از آریانا قدیم و بعدا باختر و در دوره اسلامی بخشی از خراسان بزرگ بود، پس از آنکه تحت تسلط استعمارگران انگلیسی قرار گرفت، در اواسط قرن نوزده، افغانستان نامیده شد. این تاریخ طولانی چند هزار ساله در عین حال تاریخ ستمگری برده دارانه و فئودالی بر زنان این خطه بوده است. استعمارگران انگلیسی در دوران سلطه هشتاد ساله شان بر این کشور، از 1839 تا 1919، نیز نخواستند رخنه کوچکی در دیوار های ضخیم استثمار و ستم فئودالی کهن، منجمله ستم بر زنان، در این کشور ایجاد نمایند و صرفا ستمگری استعمارگرانه را بر ستم های قبلی افزودند.

اصلاحات در مورد وضعیت زنان در افغانستان، باخصلت نیمه فئودالی - نیمه مستعمراتی، برای اولین بار در زمان سلطنت امان الله خان (1298 - 1307 شمسی) شروع شد. این حرکت که " نهضت نسوان " یعنی جنبش زنان نامیده شد، حرکت روپنایی اصلاحی ای بود که توسط دربار و بصورت مشخص توسط شخص شاه امان الله دامن زده شد. طبعاً دامنه این حرکت محدود بود و حتی در شهر کابل به یک جنبش وسیع زنان مبدل نگردید، چه رسد به شهر های دیگر و دهات سراسر کشور.

اما همین حرکت محدود نیز با عکس العمل شدید ارتجاع فئودالی مواجه گردید و حتی قبل از سقوط سلطنت امان الله خان تا حد زیادی کنار گذاشته شد. سقوط سلطنت امان الله خان (1307 شمسی) در عین حال به معنی کنار گذاشته شدن کامل " نهضت نسوان " در دوره کوتاه قدرت امیر حبیب الله کلکانی، که مجموعاً بصورت تقریبی مدت نه ماه دوام نمود، بود. اما بعد از قدرت گیری نادر شاه پدر ظاهر شاه و سال های اول سلطنت ظاهر شاه در زمان نخست وزیری هاشم خان کاکاپش، نیز این نهضت در واقع توسط دربار دیگر دامن زده نشد.

ادامه

مبارزات زنان بخش مهمی از مقاومت علیه اشغالگران و رژیم پوشالی

فرا رسیدن هشت مارچ، روز جهانی زن را به همه زنان و مردان آزادیخواه تبریک می گوئیم. تجلیل از هشت مارچ، تجلیل از مبارزات زنان و قربانی هایی است که زنان مبارز در راه احقاق حقوق شان تا حال در کشور های مختلف جهان متقبل گردیده اند. این مبارزات با وجود نبل به دستاورد های معینی اساساً تا حال پایان نیافته و همچنان ادامه دارد. بنابراین تقبل قربانی های بیشتر مبارزاتی در شرایط کنونی و در آینده نیز ضروری خواهد بود.

در کشور ما هم اکنون مسئله زنان توسط اشغالگران و رژیم دست نشانده به مثابه گروگان برای توجیه اشغالگری امپریالیستی و خیانت ملی به کار گرفته می شود. آنها وزارت امور زنان ایجاد کرده اند، برای زنان در پارلمان پوشالی نمایندگی نسبی داده اند، زنان معینی را به وزارت و ولایت و ریاست رسانده اند، برای یکتعداد از زنان و دختران تحصیل یافته در موسسات وابسته دولتی و غیر دولتی زمینه اخذ معاشات بالای دالری را مهیا ساخته اند و ... تا نشان دهند که آزادی زنان در نبود استقلال کشوری و آزادی ملی بدست می آید.

این افسانه دروغین و این فریبکاری عظیم باید افشا و رسوا گردد. با مال شدن استقلال و آزادی ملی کشور و مردمان کشور یعنی پامال شدن هویت کشوری و ملی مستقل تمامی زنان و مردان کشور. در چنین شرایطی آیا زنان افغانستانی، و همچنان مردان کشور، می توانند حقوق و آزادی هایی داشته باشند؟ بلی می توانند داشته باشند، اما نه حقوق و آزادی های حقیقی، درست همانگونه که بردگان می توانند " حقوق و آزادی " هایی داشته باشند. البته برای بردگانی که به بردگی تن داده باشند، این " حقوق و آزادی ها " نه تنها کافی و وافی خواهند بود، بلکه مستلزم دعا برای سلامتی سر و دوام قدرت اربابان نیز می باشند. اما برای زنان و مردانی که تن به بردگی نمی دهند، " حقوق و آزادی " های مذکور، که به مثابه پرده فریبی برای پوشاندن اسارت و بردگی بکار گرفته می شوند، نه تنها نمی توانند باعث اغفال گردند، بلکه باعث تشدید مبارزات آنها بخاطر سرنگونی اسارت در تمامی ابعاد آن نیز می شوند.

ادامه

گزارشی از برگزاری روز جهانی زن

روز جهانی زن به روز یکشنبه هشت مارچ 2009 توسط دسته هشت مارچ زنان افغانستان به نحو باشکوهی در شهر کوپته تجلیل گردید. در این محفل تجلیلیه بیشتر از پنجمصد نفر شرکت کرده بودند. اکثریت شرکت کنندگان را زنان و دختران تشکیل داده بودند که بیشتر شان را شاگردان مکاتب محل می ساختند. دسته هشت مارچ زنان افغانستان در برگزاری این محفل تجلیلیه از همکاری جنبش انقلابی جوانان افغانستان برخوردار بود.

در این محفل تجلیلیه، منسوبین دسته هشت مارچ زنان افغانستان و جنبش انقلابی جوانان افغانستان و همچنان شخصیت های فرهنگی و هنری همکار آنها، مقالات و اشعار را به خوانش گرفتند، چند پارچه

ترانه اجرا نمودند و یک پارچه تمثیلی نمایش دادند. همچنان دو مقاله به زبان اردو نیز قرائت گردید. اما ویژگی محفل هشت مارچ امسال درین بود که درین محفل " طرح پیشنهادی بیانیه دسته مارچ زنان افغانستان " به مثابه طرح پیشنهادی پلانفرم مبارزاتی دسته، ارائه گردید، تا مورد نظر خواهی عمومی قرار بگیرد. قرار است بعد از نظر خواهی عمومی، این طرح پیشنهادی به طرح تصویب شده مبدل گردیده و شکل پلانفرم رسمی دسته هشت مارچ زنان افغانستان را بخود بگیرد.

یکی از ویژگی های دیگر محفل تجلیلیه هشت مارچ امسال خصوصیت چند ملیتی آن بود. این خصوصیت محدودیت ملیتی محافل سال های قبل را رفع نموده و محفل امسال را رنگارنگی ملیتی بخشید. امید داریم در سال های بعد، این خصوصیت کسب شده بیشتر از پیش گسترش یابد.

محفل تجلیلیه هشت مارچ امسال در شرایطی در شهر کوپته برگزار گردید که محیط این شهر را جو برخورد های سیاسی و فرقه پی فرا گرفته که شکل برخورد های مسلحانه ملیتی را بخود گرفته است. اما منسوبین دسته هشت مارچ زنان افغانستان و جنبش انقلابی جوانان افغانستان، بخاطر تشویشات امنیتی ناشی از این وضع حاضر نشدند که از برگزاری محفل تجلیلیه هشت مارچ صرفنظر نمایند. آنها وضعیت محیط را در نظر گرفتند، اما روز هشت مارچ را نیز تجلیل نمودند.

علامه جنبش انقلابی جوانان افغانستان که به مناسبت فرار رسیدن روز جهانی زن منتشر شده بود نیز در میان جمعیت شرکت کننده در محفل بخش گردید.

گزارشی از برگزاری روز جهانی زن در افغانستان

با درود های فراوان !

هشت مارچ روز جهانی زن در شهر ... بصورت نیمه مخفی برگزار گردید. شش نفر از دختران مربوط به دسته هشت مارچ و چند نفر از منسوبین جنبش انقلابی جوانان در گردانندگی محفل نقش داشتند. در محفل مجموعاً پنج مقاله، به شمول یک مقاله خارجی، دو پارچه شعر، یک سرود و دو پارچه موسیقی شامل بود. سرود توسط کودکان اجرا شد و دو پارچه موسیقی توسط منسوبین جنبش انقلابی جوانان که یکی از آنها توسط کودکان همراهی میشد.

محفل نزدیک به دو ساعت دوام کرد و در حدود 90 نفر، به شمول چند نفری که از مرکز آمده بودند، در آن شرکت کرده بودند. بیشتر از نصف شرکت کنندگان محفل دختران بودند. بر علاوه 4 زن نیز در محفل شرکت کرده بودند. گردانندگان و شرکت کنندگان محفل، در ختم محفل از چگونگی برگزاری آن رضایت نشان داده و روی برگزاری محافل به مناسبت های خاص تاکید ورزیدند.

ایمیل آدرس های جنبش انقلابی جوانان افغانستان

jawanaan@gmail.com

وبسایت جنبش انقلابی جوانان افغانستان

www.afghanistanarmy.org

|| بازگشت ||